



تهران - جارپرس - هزاران گردشگر کنجکاو - و البته فاشیست - به محله «اپنین»، زادگاه موسولینی سرزیر شده‌اند و این شهر حالا از موج راستگرایی افراطی کسب درآمد میکند.

تیسرت سیاهی به تن، جوهر تنو روی دستهایشان، «فابریزیو» و «ماملی گامبرینی» برای تجدید میثاق سالانهشان به پرهداپیو، زادگاه و مدفن بنیتو موسولینی سفر کرده‌اند. ماملی در حالی که از مغازه‌ی سوغاتفروشی پرهداپیو که به فروش یادگاریهای مربوط به موسولینی اختصاص دارد بیرون میرود، با افتخار ادعا میکند که «ما فاشیستیم؛ هر سال در پایان جولای چندتایی یادگاری میخریم و از مزارش بازدید میکنیم و به افتخارش چند شاخه گل میگذاریم». این زوج اهل شهر «وارزه» برای صدوسیوششمین سالگرد تولد دیکتاتور ایتالیایی در شهر تاریخی امیلیا-رومانیا سکنی گزیده‌اند.

از وقتی که در سال ۲۰۱۷ مقبره‌ی خانوادگی موسولینی موقتاً برای بازسازی بسته شده بود و بعد از رژه‌ی ۲۸ اکتبر رم و سالگرد درگذشت این سیاستمدار ایتالیایی در ۲۸ آوریل سال گذشته، این سومین بار است که این مکان به روی عموم باز شده است. این سالگردها همواره هزاران بازدیدکننده‌ی فاشیست را از سراسر ایتالیا به خود جذب میکند. گذشته از این کسانی که به این راهپیمایی میپیوندند، به سوی گورستان کوچک سنکازیانو هدایت میشوند و آنجا با یک سلام فاشیستی به «ایل دوچه» (رهبر) ادای احترام میکنند و در کتابچه‌ی میهمانان پیامهای تحسینآمیز مینویسند. به دستگلی که تازه آنجا گذاشته‌اند کارت‌های آویزان است که روی آن نوشته: «سپاسگزارم رهبر».

پس از اینکه روبرتو کانالی، شهردار جدید و راستگرای شهر، هفته‌ی گذشته طرحهای جنجالی خود را برای بازگشایی دائمی گورستان جهت جذب گردشگر اعلام کرد، حالا زوج گامبرینی از اینکه که فهمیده‌اند باز هم میتوانند هر روزی از سال احترامشان را به رهبر فاشیستام ابراز کنند، هیجان زده‌اند.

بیشتر ساکنان این شهر حدوداً شش هزار نفره، هجوم فاشیستها در سالگردها را به عنوان یک «شر لازم» پذیرفته‌اند؛ چرا که در این مناسبتها فروشگاهها و هتلها روزهای پر ثمری را سپری میکنند. به همین دلیل است که طرحهای آقای کانالی در منطقه با نقدهای اندکی روبرو شده است. در حقیقت قولهای او که با حمایت راشل و الکساندرا، نوههای موسولینی، همراه شده است، عامل پیروزی او در انتخابات شهرداری بود.

کانالی به نشریه‌ی «آبزور» گفته «پس از اینکه مقبره بسته شده بود، بسیاری از مشاغل بابت از دست دادن مشتریهایشان شکایت داشتند؛ جدا از آن سه روز پر رونق سال، ما با جریان مداومی از مردمی مواجهیم که لباس عادی میپوشند و از سر کنجکاو یا برای فهم تاریخ به اینجا می‌آیند و از بسته بودن مقبره دلگیر میشوند».

کلودیا بروناتزی، نماینده انجمن کسبوکارهای محلی، میگوید «ترحمانگیز است که در حالی که چیزهای بیشتری مانند نوشیدنی، غذا و مناظر دیدنی اینجا هست، پرهداپیو فقط بخاطر این مقبره به یاد آورده میشود. اما گشایش مقبره برای کسبوکارها مفید است».

نیازی به گفتن نیست که طرحهای آقای کانالی از جانب انجمن ضد فاشیست «آنپی (ANPI)» که قصد دارند در روز بازگشایی مقبره تجمعی اعتراضی ترتیب دهند، سرزنشهای تندی به دنبال داشته است. این انجمن طی بیانیهای اعلام کرده: «این کار لجنمال کردن خاطرهی قربانیان بسیار جنایتهای فاشیسم، همنوایی با قوانین نژادپرستانهی آن و همدستی با نازیهای است که موجب کشتار زنان و مردان و کودکان بیگناه شدند».

لوکا کاپاچی، سخنگوی حزب کوچک چپگرایی به نام «پاسیبل» میگوید: «خیلی غمانگیز و نگرانکننده است که بازگشایی این مقبره در منطقیهای که چیزهای بیشتری برای عرضه دارد، به عنوان عنصری جذاب دیده میشود. این یک بنای یادبود تاریخی مانند «کولوسئوم» نیست. آدمهایی که آنجا میروند برای بزرگداشت یک دیکتاتور جمع میشوند».

روشن نیست این مقبره که بنا به وعدهی خانوادهی موسولینی برای عموم بازگشایی شده، بطور دائم بازگشایی شود؛ چراکه مقامات شهر همچنان باید روی این قضیه کار کنند که هزینههای نگهداری و محافظت سی هزار یورویی آن را چه کسی پرداخت خواهد کرد؛ شهر یا خانواده موسولینی؟ یکی از دلایلی که این مکان از زمان بازسازی تا کنون بازگشایی نشده متولی پیش آن بوده است؛ یک هوادار متعصب موسولینی که برای سالها نگهداری از آن را رایگان انجام میداد.

فرقههای گذشتگرای جمعیت ایتالیا، مدتی طولانی به زنده نگهداشتن روح موسولینی کمک کردهاند. اما رونق گرفتن پوپولیسیم راستگرا پیشتر این تابو را شکسته است. متئو سالوینی، قائم مقام نخست وزیر و رهبر جناح راست افراطی، گاهی اوقات از موسولینی نقل قول میکند و در طول کمیین انتخاباتی اروپا در شهر «فورلی» در نزدیکی پرهداپیو، او جمعیت را از همان بالکنی خطاب قرار داد که دیکتاتور ایتالیایی کشتهشدن مخالفان خود را تماشا کرده بود.

موسولینی و معشوقهایش کلارا پاتاچی، در روزهای پایانی جنگ جهانی دوم، به ضرب گلولهی پارتیزانها کشته شدند. بدن موسولینی در میدان میلان از تیرهای چوبی آویزان شد و سپس بقایای او در سال ۱۹۵۷ به گورستان پرهداپیو منتقل شد.

یکی از دلایل پایداری روح موسولینی این است که برخی ایتالیاییها او را آخرین رهبر «مقتدر» این کشور میدانند؛ کسی که نهتنها نظم و قانون را دوباره برقرار کرد، بلکه مسکن، سیستم حملونقل و جادههای بهتری ساخت؛ در عین حال روی صنعت سرمایهگذاری و یک سیستم رفاهی را هم برقرار کرد.

آدمهایی مثل زوج گامبرینی همچنان تلاش میکنند روی اشتباهات او سرپوش بگذارند؛ ماملی میگوید: «بلطف موسولینی است که الان مستمری بازنشستگی داریم؛ اشتباه اصلی او جانبداری از هیتلر بود - که تاوانش را داد».

شهردار نمیتواند درباره‌ی اینکه سالانه چند نفر از پرده‌اپیو - شهری که با دستور موسولینی در دهه‌ی ۱۹۲۰ بازسازی شد - بازدید میکنند آماری رسمی ارائه کند. آخرین ارزیابیها سالانه ۱۰۰ هزار نفر را نشان میدهد اما بدون شک این شهر جریان ثابتی از آدهای کنجکاو را هم به درون خود میکشد.

اکتبر سال گذشته ظرفیت یک تور تاریخی یکپهتهای به نام «رهبر! ظهور و سقوط فاشیسم در ایتالیا» که توسط یک شرکت بریتانیایی برنامه‌ریزی شده بود سرعت تمام شد. راشل موسولینی با این گروه در پایانه‌ی مسافری پرده‌اپیو دیدار کرد و به پرسشها درباره‌ی میراث پدر بزرگش پاسخ داد.

غیر از گورستان، مردم میتوانند اطراف خانهای که موسولینی در آن به دنیا آمده نیز گشتی بزنند. پیترو فلور، باستانشناس هلندی که یک صبح جمعه با خانوادگی خود در پرده‌اپیو توقف کرده میگوید: «حتی وجود این مکان شگفتآور است. تمام یادگارهای فاشیسم در هلند بطور کامل نابود شده است. این یادگارها نباید از بین برده شوند؛ بلکه باید با هوشمندی درباره‌ی آنچه در دوره‌ی فاشیسم رخ داد و تأثیرات آن هنوز در سرتاسر اروپا مشهود است، توضیح داده شود. فاشیسم هرگز باز نخواهد گشت اما میتواند در شکلی تازه و با طینینی از گذشته برگردد».

موج خروشان راستگرایی در سراسر ایتالیا بواسطهی انتخاب کانالی در اواخر ماه می، به پایان بیش از ۷۰ سال نقشآفرینی جناح چپ در پرده‌اپیو کمک کرد. کانالی از طریق یک فهرست مدنی مستقل در انتخابات شرکت کرد اما بشدت از سوی حزب کوچک راست افراطی به نام «برادران ایتالیا» که راشل موسولینی هم عضو آن است پشتیبانی شد.

جورجو فرازینتی شهردار سابق شهر که در جلوگیری از ورود گردشگران به شهر - خواه برای فتنه آمده باشند یا در پی نوستالژی - ناتوان بود، به جای اینکه دوران تاریک ایتالیا را به رخ بکشد، همچنان در تلاش است برای آموزش مردم در این باره موزه‌های تأسیس کند. او در دوره‌های که شهردار بود برای تعطیلی باقی فروشگاههایی که لوازم فاشیستی میفروشند هم تلاش کرد. تا چند سال پیش شهر سه چهار مغازه داشت؛ حالا فقط فروشگاه «پرده‌اپیو تریکلوره» که همهچیز - از تیشرتهای سیاه گرفته تا کلاه قرمز منگوله‌دار (فینه)، سردیس موسولینی، لیوان، تقویم و حتی لباس کودک منقش به یکی از جملات مشهور موسولینی که میگوید «کسی جرئت دارد پیروز است» - میفروشد، باقی مانده است.

صاحب مغازه که برای مشتریان مشتاقی که روز جمعه به مغازهایش آمده بودند از بطری مزین به تصویر موسولینی شراب قرمز میریخت، حالوهوای سرخوشانه‌ی داشت؛ محلیها به شوخی میگویند او ثروتمندترین مرد پرده‌اپیو است که سالها از کسبوکاری پررونق برخوردار بوده است.

او با گلایه میگوید: «این یکی، دو سال آخر بخاطر بستهبودن مقبره کاروکاسی بد بوده است». او در فروختن اجناس فاشیستی هیچ ایرادی نمیبیند و میگوید: «فاشیسم مرده است؛ موسولینی مرده است؛ کسانی که این چیزها را میخرند مردمانی راستگرا هستند که خواستار تغییر سیاسیانند؛ بقیه محتاج متفاوت بودند» اگر فکر میکنیم که فاشیسم فقط به پوشیدن تیشرت

سیاه یا کلاه منگوله‌دار است سخت در اشتباهیم».

کاپاچی سخنگوی حزب چپ‌گرای پاسیبل هم میگوید: «شاید موسولینی مرده باشد، اما ایدئولوژی‌ای که بنا کرد کاملاً نمرده است. همچنان که هر روز در اخبار و سیاست اثبات میشود؛ و این فقط در ایتالیا نیست».

منبع: گاردین

انتهای پیام